

## Iran's international judicial policy regarding the assassination of personalities with a look at the assassination of Lieutenant Sepahbod Qassem Soleimani

Mohammad Salehi<sup>1</sup>, Shahraddar Darabi ✉<sup>2</sup>, Alireza Saeed<sup>3</sup>

### Abstract

**Field and Aims:** So far, many actions have been taken against Iranian officials and scientists with the aim of assassinating them and martyring them. Based on this, the American government martyred Sepahbod Qassem Soleimani near the Baghdad airport during an operation in 2020. This action was carried out by the order of the President of the United States, Donald Trump, in the form of a drone attack on the territory of Iraq, which violated many international regulations. On the other hand, the Iranian government took measures to counter it, which are part of these measures in the form of legal and judicial measures, which were examined in this research to finally clarify Iran's judicial policy in this field.

**Method:** In terms of purpose, this research is practical and in terms of information gathering, it was done by documentary method and through the study of valid laws and sources, and the obtained information was analyzed descriptively and analytically.

**Finding and Conclusion:** Regarding the false claim of the United States that there is a security agreement with Iraq, it should be acknowledged that with reference to Article (3) of this agreement, it is clear that the authorization of terrorist acts or any military operations by the United States on the territory of Iraq, which is in clear contradiction in compliance with the laws, international customs, conventions of the Iraqi government and the spirit that governs it, it is invalid and free from any legal burden. The actions of the Iranian government in the form of judicial measures are divided into two categories: prosecution in international courts (International Court of Justice and International Criminal Court) as well as lawsuits in the domestic courts of the Iraqi government and the domestic courts of Iran based on the jurisdictions governing international criminal law, which in Iran Prosecution in the form of the law "Combating Human Rights Violations and Adventurous and Terrorist Actions of America in the Region" can also be realized.

**Keywords:** terrorism, Sardar Soleimani, judicial policy, international law, International Court of Justice, International Criminal Court.

\*Citation (APA): salehi, M., darabi, S., & saied, A. (2023). Iran's international judicial policy regarding the assassination of personalities with a look at the assassination of Lieutenant Sepahbod Qassem Soleimani. *International Legal Research*, 15(58), 169 - 187  
[https://alr.ctb.iau.ir/article\\_699434.html](https://alr.ctb.iau.ir/article_699434.html)

1. PhD student in criminal law and criminology, Qom branch, Islamic Azad University, Qom, Iran.  
 Email: salehimohamad56@gmail.com

2. Associate Professor, Department of Law, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran.  
 (Author) Email: Shahraddar.darabi@yahoo.com

3. Assistant Professor, Department of Law, Semnan Branch, Islamic Azad University, Semnan, Iran  
 Email: alireza.saeed@yahoo.com

## سیاست قضایی بین المللی ایران در قبال ترور شخصیت‌ها با نگاهی به ترور سپهبد شهید قاسم سلیمانی

محمد صالحی<sup>۱</sup>، شهرداد دارابی<sup>۲</sup>، علیرضا سعید<sup>۳</sup>

### چکیده

**زمینه و هدف:** تاکنون علیه مقامات و دانشمندان ایرانی اقدامات متعددی باهدف ترور و شهادت آن‌ها صورت گرفته است. بر این اساس دولت آمریکا طی عملیاتی در سال ۲۰۲۰ سردار قاسم سلیمانی را در نزدیکی فرودگاه بغداد به شهادت رساند. این اقدام به دستور رئیس جمهور وقت آمریکا دونالد ترامپ در قالب حمله پهبادی در خاک عراق صورت پذیرفت که بسیاری از مقررات بین المللی را نقض نمود. در مقابل دولت ایران اقداماتی را برای مقابله انجام داد که بخشی از این اقدامات در قالب اقدامات حقوقی و قضایی می‌باشد، که در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته تا در نهایت سیاست قضایی ایران در این زمینه بیش از پیش مشخص شود.

**روش:** این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و به لحاظ گردآوری اطلاعات، به روش اسنادی و از طریق مطالعه قوانین و منابع معتبر انجام شده و اطلاعات به دست آمده به صورت توصیفی - تحلیلی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

**یافته‌ها و نتایج:** در خصوص ادعای واهی آمریکا مبنی بر وجود موافقت‌نامه امنیتی با عراق باید اذعان داشت با امعان نظر به ماده (۳) این موافقت‌نامه، روشن است که اجازه‌ی اقدامات تروریستی یا هرگونه عملیات نظامی از سوی آمریکا در خاک عراق که در تغایر آشکار با رعایت قوانین، عرف بین المللی، کنوانسیون‌های دولت عراق و روح حاکم بر آن است فاقد اعتبار و عاری از هرگونه محمل قانونی می‌باشد. اقدامات دولت ایران نیز در قالب تدابیر قضایی به دودسته پیگرد قضایی در محاکم بین المللی (دیوان بین المللی دادگستری و دیوان کیفری بین المللی) و همچنین طرح دعوی در محاکم داخلی دولت عراق و محاکم داخلی ایران براساس صلاحیت‌های حاکم بر حقوق جزای بین الملل تقسیم می‌شود که در ایران پیگرد قضایی در قالب قانون «مقابله با نقض حقوق بشر و اقدامات ماجراجویانه و تروریستی آمریکا در منطقه» نیز قابل تحقق است.

**واژگان کلیدی:** تروریسم، سردار سلیمانی، سیاست قضایی، حقوق بین الملل، دیوان بین المللی دادگستری، دیوان کیفری بین المللی.

\*استناددهی (APA): صالحی، محمد، دارابی، شهرداد، سعید، علیرضا. (۱۴۰۱). سیاست قضایی بین المللی ایران در قبال

ترور شخصیت‌ها با نگاهی به ترور سپهبد شهید قاسم سلیمانی. تحقیقات حقوقی بین المللی، ۱۵(۵۸)، ۱۸۷ - ۱۶۹

[https://alr.ctb.iau.ir/article\\_699434.html](https://alr.ctb.iau.ir/article_699434.html)

۱. دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.

alehimohamad56@gmail.com

۲. دانشیار گروه حقوق، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران. (نویسنده مسئول).

Shahrdad.darabi@yahoo.com

۳. استادیار گروه حقوق، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان ایران. alireza.saied@yahoo.com

## مقدمه

در تاریخ ۳ ژانویه ۲۰۲۰، برابر با جمعه شب ۱۳ دی ماه ۱۳۹۸ در پی یک عملیات تروریستی هدفمند، دو خودرو حامل سردار قاسم سلیمانی فرمانده سپاه قدس ایران به همراه «ابومهدی المهندس» معاون تشکیلات حشدالشعبی و تعدادی از همراهانشان در نزدیکی فرودگاه بغداد، پایتخت عراق، مورد هدف پهباد MQ-9 آمریکایی قرار گرفته و به شهادت رسیدند. این کشتار هدف دار پیش تر دارای نمونه‌های دیگری چون ترور عماد مغنیه، شیخ احمد یاسین و عبدالعزیز رنتیسی با استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین توسط دولت آمریکا و رژیم اشغالگر قدس بوده و تکرار شده است. (نیکنژاد و ابوالحسنی، ۱۳۹۹: ۱۷)

دولت آمریکا با نیروی نظامی خود علیه مقام رسمی یک کشور در کشور دیگر اقدام به ترور می‌نماید که این اقدام نقض حاکمیت و تمامیت ارضی دولت عراق از یک طرف و از سوی دیگر ترور یک مقام رسمی ایرانی تعدی به حاکمیت ایران می‌باشد که با توجه به ماده ۸ مکرر اساسنامه دیوان بین المللی کیفری که به آن اشاره شد و قطعنامه ۳۳۱۴ مجمع عمومی ملل متحد مصداق جنایت تجاوز می‌باشد و یک جنایت بین المللی است و این عمل آمریکا مغایر با منشور ملل متحد و نقض قاعده آمره منع توسل به زور است. عمل آمریکا مصداق تروریسم بین المللی است، آمریکا خشونت و وحشت را علیه مقامات رسمی به صورت غیرقانونی برای ایجاد وحشت به کار برد، که این عمل عنصر مادی تروریسم بین المللی می‌باشد، که منتهی به قتل افراد گردیده است و برای دولت آمریکا و ترامپ مسئولیت بین المللی و فردی مفروض می‌باشد. (قدیر و قهرمانی، ۱۴۰۰: ۵۹) قتل هدفمند، قتلی فراقانونی می‌باشد که در دهه‌های اخیر و به ویژه پس از واقعه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، در حقوق بین الملل بسیار بحث شده است. آمریکا با اعلام جنگ علیه تروریسم بین المللی (القاعده و طالبان) با مشروع سازی، به قتل‌های هدفمند افراد مختلف در طول دو دهه اخیر پرداخته است. اما طبق حقوق داخلی آمریکا و به دستور اجرای شماره ۱۲۳۳۳، ترور ممنوع می‌باشد. با توجه به این که، سردار سلیمانی فرمانده نظامی جمهوری اسلامی ایران بود؛ بنابراین، ترور هدفمند ایشان در تناقض با حقوق بین الملل می‌باشد. دولت آمریکا با به شهادت رساندن سردار سلیمانی و همراهان ایشان، نه تنها در حقوق داخلی خود بلکه در حقوق بین الملل نیز عدم تبعیت خود را نشان داد. (رحیم پور، ۱۴۰۱: ۲) اما اقداماتی که دولت ایران در قالب اقدام قضایی دارد ممکن تحت تأثیر سیاست‌های مختلف جنبه‌های متفاوتی داشته باشد که در این پژوهش این اقدامات مورد بررسی قرار گرفته تا در نهایت سیاست قضایی ایران در این زمینه بیش از پیش مشخص شود.



## ۱. ماهیت تروریسم در حقوق بین‌الملل

### ۱-۱. مفهوم تروریسم

تروریسم را می‌توان به‌عنوان یک پدیده نسبتاً پیچیده مطرح نمود که جلوه‌های آن مدام در حال تغییر است. این پدیده در طول تاریخ با نظام قدرت و ساختارهای قدرت گرا ارتباطی تنگاتنگ داشته است، به نحوی که می‌توان تأثیر قدرت حاکم را حتی در گفتمان‌های پیرامون این پدیده دریافت کرد.

تروریسم در زبان عربی ارباب گفته می‌شود و از فعل (رَهَب، يَرْهَبُ، رَهْبَةٌ) به معنای ترس، دلهره و وحشت برمی‌آید. (آذرتاش، ۱۳۸۴: ۲۴۹) در ترمینولوژی حقوق این اصطلاح را به معنی کارهای جنایی ضد کشور به منظور ایجاد هراس در اشخاص یا اصناف و طبقات معین و یا همه مردم کشور دانسته‌اند. (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۶: ۱۵۰) در حقیقت امروزه تروریسم در اصطلاح به معنای به کارگیری خشونت و ایجاد ترس و وحشت در میان مردم با توسل به ابزارهای مختلف می‌باشد و بر این اساس تروریست، کسی است که برای نیل به اهداف خود به خشونت یا تهدید به آن متوسل می‌شود.

در خصوص تعریف تروریسم باید گفت اغلب چنین گفته می‌شود که تعریف پذیرفته‌شده‌ای از تروریسم وجود ندارد. تروریسم را واژه‌ای مبهم می‌دانند که هر کشور براساس اهداف و مقاصد سیاسی خود آن را تعریف و تفسیر می‌کند. (سنبل، ۱۳۸۰: ۱۱۲۵) نویسندگان به اتفاق اظهار داشته‌اند که علیرغم توافق جهانی مبتنی بر وجود مفهومی که بار معنایی ذهنی و ناشایستی را در برمی‌گیرد، تعریفی مشخص که مورد قبول همگان باشد وجود ندارد. می‌توان اذعان داشت که هیچ اتفاق نظر روشن و معینی بین کارشناسان و صاحب‌نظران این حوزه در مورد مفهوم تروریسم وجود ندارد. در نتیجه، آنچه را برخی افراد تروریسم به حساب می‌آورند، دیگران به عنوان یک عمل قانونی و مشروع به آن می‌نگرند. (معظمی، ۱۳۹۳: ۵۳) سازمان ملل در قطعنامه ۳۰۳۴ مورخ دوم نوامبر ۱۹۷۲ تروریسم را اینگونه تعریف کرده است: «تلاش‌هایی باهدف ایجاد تحولات در حکومت، اخلال در ارائه خدمات عمومی، مسموم ساختن روابط بین‌الملل با قتل روسای دولت‌ها یا نمایندگان حکومت‌ها، تخریب ابنیه، تسهیلات و ارتباطات عمومی، ایجاد آلودگی در غذا یا آب و تحریک بیماری‌های واگیر».

به نحوی که ملاحظه می‌گردد در تعریف مزبور بیشتر رویکردی مادی به چشم می‌خورد و تلاش شده است که مصادیق جرم تروریسم احصاء شود. در تعریف گروه حقوق بین‌الملل در ماده ۲۴ در قسمت مقررات مربوط به جرائم بین‌المللی، آمده است: «تروریسم عبارت است از روا دانستن اقداماتی که دارای ماهیت ایجاد وحشت در اذهان عامه و گروه‌های انسانی است».

کنوانسیون پیشگیری و مجازات تروریسم سازمان ملل نیز همانند گروه حقوق بین‌الملل با نگرشی معنوی تروریسم را تعریف کرده است: «تروریسم به اعمال جنایتی اطلاق می‌شود که با

هدف مقابله با نظام سیاسی کشورها و ایجاد رعب و وحشت در اشخاص یا گروه‌های معین یا عامه مردم، توسط گروه‌های تروریستی ارتکاب می‌یابد». همچنین در قطعنامه سال ۱۹۸۴ مجمع عمومی سازمان ملل متحد تعریف تروریسم اینگونه آمده است: «فعالیت‌های مجرمانه و خشونت‌آمیزی که گروه‌های سازمان‌یافته برای ایجاد رعب و وحشت انجام می‌دهند تا به این ترتیب نیل به اهداف به اصطلاح سیاسی را میسر سازند».

## ۱-۲. ریشه‌های تروریسم

شناخت ریشه‌های تروریسم یا همان علل و عوامل پیدایش تروریسم، برای مبارزه با این پدیده لازم و ضروری است. به طور کلی می‌توان علل پیدایش تروریسم را در دو عامل جستجو نمود. نخست؛ عوامل فردی و دوم؛ عوامل اجتماعی. از دیدگاه جرم‌شناسان این خود فرد است که بنا بر یک سری از عوامل که سرمنشأ آن به وی بازمی‌گردد، دست به ارتکاب چنین جرمی می‌زند. عواملی نظیر ژن، سن، جنس، هوش، برخی بیماری‌ها می‌توانند عاملی در بروز این پدیده مجرمانه تلقی گردند.

آنتونیو کاسسه چهار دلیل در خاستگاه تروریسم برشمرده است: ۱) وجود دولت‌های به شدت اقتدارگرا و نابرابری‌های عمیق اقتصادی و اجتماعی در این کشورها. ۲) گسست فرآیند، مراکز قدرت در سطح بین‌المللی و در نتیجه ازدیاد «قطب‌های منافع» که از مشخصه‌های دوران جنگ سرد بود. این مراکز با حمایت از گروه‌های شورشی سایر کشورها که علاقه سیاسی مذهبی ایدئولوژیک مشترک داشتند، از آن‌ها همانند ابزاری برای پیشبرد سیاست‌های خود استفاده می‌کردند. ۳) ناتوانی جامعه بین‌المللی، از جمله سازمان ملل متحد در ارائه پاسخ مناسب به درخواست‌های ملت‌ها برای کاهش تبعیض‌ها و نابرابری‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در سطح بین‌المللی و نبود سازوکارهای پیشگیرانه برای جلوگیری از فوران منازعات اقتصادی و اجتماعی در سطوح ملی و فراملی. ۴) تحقق نیافتن اهداف منشور ملل متحد، از جمله دکترین‌های حقوق بشر و آزادی‌های اساسی. به نظر کاسسه، جامعه بین‌الملل برخی انگیزه‌ها و علل تروریسم را مشروعیت می‌بخشد، اما روش‌هایی را محکوم می‌کند که برای تحقق این آمال و اهداف مورد استفاده قرار می‌گیرد. (کاسسه، ۱۳۷۰: ۳۱۸)

کورت والد‌هایم، دبیرکل سازمان ملل متحد، در گزارش خود درباره تروریسم در سال ۱۹۷۲ نوشت: «بررسی این پدیده پیچیده بدون در نظر گرفتن انگیزه‌ها و زمینه‌های تروریسم سودی ندارد». وی بیشترین مسئولیت گسترش تروریسم را ناشی از دلایل زیر و متوجه دولت‌های بزرگ می‌داند: استفاده از حق و تو در شورای امنیت و قصور این دولت‌ها در ایفای تکالیفی که منشور ملل متحد بر عهده آن‌ها واگذار است. ۲) توطئه‌گری دولت‌های بزرگ و جانب‌داری‌های

یک طرفه آن‌ها باعث شده است که سازمان ملل متحد در ایجاد همکاری بین‌المللی و حل مشکلات جهانی با ناکامی روبه‌رو شود. (۳) غصب حقوق ملت‌های مستضعف، چنان ظلم و محرومیتی بر آن‌ها وارد آورده است که سازمان ملل قادر به جبران آن نیست. سیاست‌های مطرح شده از سوی والدهایم در واقع، بیان خاستگاه پدید آمدن تروریسم در عرصه جهانی است. (لطفی و آریا فر، ۱۳۹۶: ۳۵)

### ۱-۳. تروریسم به مثابه یک جرم بین‌المللی

عنصر قانونی جرم تروریسم که در حقیقت برگرفته از اصل مسلم پذیرفته شده «قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها» می‌باشد، را می‌توان مجموعه قوانین و مقررات تبیین‌کننده جرم و مجازات تروریسم در عرصه داخلی و بین‌المللی دانست. عنصر مادی جرم تروریسم همان اعمال مجرمانه‌ای است که در مسیر اجرایی این جرم خواه جرم واقع شده باشد و خواه در مرحله شروع به جرم<sup>۱</sup> باشد، محقق می‌شود و به مجموعه اعمالی اطلاق می‌شود که حقوق داخلی کشورها و حقوق بین‌الملل آن‌ها را جرم تلقی می‌نماید. باید توجه داشت که به دلیل متنوع بودن اعمال تروریستی، ارائه فهرست دقیق و کاملی از این اعمال تقریباً غیرممکن می‌نماید. عنصر معنوی جرم تروریسم همان قصد و نیت مجرمانه داشتن است. به طوری که تروریسم با توجه به ماهیت قانونی آن در زمره جرائم عمدی و هدفمند قرار می‌گیرد. عنصر معنوی تروریسم در برخی از کنوانسیون‌های بین‌المللی با عباراتی نظیر؛ «از روی قصد»، «ارتکاب عمدی»، «عامدانه»، «از روی عمد» یا «با اراده خود» بیان شده است. عمدی بودن جرائم تروریستی که در حقیقت با قصد مجرمانه ملازمه دارد، چه صراحتاً و چه به طور ضمنی در خصوص تعاریف ارائه شده از جرم تروریسم در کنوانسیون‌های منطقه‌ای<sup>۲</sup> و یا قوانین داخلی کشورها<sup>۳</sup> آمده است.

جرم بین‌المللی عملی است مخالف حقوق بین‌الملل که جامعه بین‌المللی بر اساس عرف یا معاهدات آن را جرم شناخته باشد. از این رو هیچ فعل یا ترک فعل را نمی‌توان جرم دانست، مگر به موجب مقررات حقوق بین‌الملل. عامل جرم بین‌المللی چه یک شهروند ساده، کارگزار یا نماینده کشور باشد، در هر حالتی یک شخص حقیقی است. لذا افراد عادی، نظامیان، کارمندان دولت،

۱. در کنوانسیون‌های بین‌المللی متعددی درباره تروریسم به مساله شروع به جرم اشاره شده است. که از آن جمله می‌توان به؛ بند ۱ ماده ۸ کنوانسیون ۱۹۶۳ توکیو، بند الف ماده ۱ کنوانسیون لاهه ۱۹۷۰، بند ۲ قسمت الف ماده ۱ کنوانسیون مونترال ۱۹۷۱، بند ۱ ماده ۲ کنوانسیون نیویورک ۱۹۷۳، بند ۲ قسمت الف ماده ۱ کنوانسیون مبارزه بر علیه گروه‌گنجگیری ۱۹۷۹، ماده ۷ بند ۲ قسمت (و) کنوانسیون مراقبت فیزیکی از مواد هسته‌ای ۱۹۷۹ و... اشاره نمود.

۲. ماده ۱ کنوانسیون عربی مبارزه با تروریسم، ۱۹۹۸

۳. ماده ۳۱۵ قانون مجازات لبنان، ماده ۸۶ قانون مجازات مصر، قانون مبارزه با تروریسم سودان سال ۲۰۰۰، قانون مجازات فرانسه ماده ۱-۴۲۱، که در تمامی آن‌ها رکن معنوی جرم تروریسم یا به‌طور صریح از منطوق عبارات و یا به‌طور ضمنی از مفهوم و فحوی عبارات قانونی، مستفاد می‌گردد.



دولتمردان و... به دلیل ارتکاب جرم بین‌المللی، چه به عنوان آمر قانونی و چه به عنوان مجری دستورات خلاف قانون مافوق، در مقابل جامعه بین‌المللی مسئولیت کیفری دارند. (ضیایی بیگدلی، ۱۳۸۶: ۲۹۱)

جرائم بین‌المللی را می‌توان به سه دسته عمده تقسیم‌بندی نمود؛ نخست، جنایات علیه صلح؛ دوم، جنایات علیه بشریت و سوم، جنایات جنگی. براساس جزء الف بند ۳ ماده ۱۹ طرح مواد راجع به مسئولیت بین‌المللی کشورها مورخ ۱۹۹۶، جنایات علیه صلح عبارت است از: «نقض عمده و فاحش هر تعهد بین‌المللی که برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی اهمیت اساسی دارد، مانند ممنوعیت تجاوز».

جنایات علیه بشریت مطابق با جزء ب بند ۳ ماده ۱۹ طرح مواد راجع به مسئولیت بین‌المللی کشورها مورخ ۱۹۹۶، عبارت است از: «نقض عمده و فاحش هر تعهد بین‌المللی که برای حفظ وجود انسان و تضمین حق ملت‌ها در تعیین آزادانه سرنوشت آنان و تضمین حفظ محیط زیست اهمیت اساسی دارد».

جنایات جنگی عبارت است از: «نقض فاحش قواعد و مقررات حقوق جنگ یا حقوق مخاصمات مسلحانه، شامل عهدنامه‌های ۱۹۴۹ ژنو و پروتکل‌های الحاقی شماره ۱ و ۲ مورخ ۱۹۷۷ و سایر عرف‌های مسلم حقوق بین‌المللی معطوف به این مسئله». (همان: ۲۹۴-۲۹۲)

با امعان نظر در تعاریفی که مطرح گردید به نظر می‌رسد جرم تروریست، اگرچه به طور مستقیم و یا غیرمستقیم اثر خود را بر امنیت و صلح جهانی وارد می‌سازد، اما صحیح‌تر آن است که این جرم را در زمره جرائم علیه بشریت دسته‌بندی نماییم. امری که اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی نیز بر آن صحه گذاشته است. به موجب ماده (۷) اساسنامه مزبور: «منظور از جنایات ضد بشریت در این اساسنامه هر یک از اعمال مشروحه ذیل است، هنگامی که در چارچوب یک حمله گسترده یا سازمان‌یافته بر ضد یک جمعیت غیرنظامی و با علم به آن حمله ارتکاب می‌گردد: قتل؛ ریشه کن کردن انسان؛ ... حمله گسترده یا سازمان‌یافته بر ضد هر جمعیت غیرنظامی رفتاری است مشتمل بر ارتکاب مکرر اعمال مذکور در بند ۱ بر ضد هر جمعیت غیرنظامی که در تعقیب یا پیشبرد سیاست یک دولت یا یک سازمان برای انجام چنین حمله‌ای صورت گرفته باشد...» به نحوی که ملاحظه می‌گردد جرم تروریسم را می‌توان همانند جرائمی نظیر؛ کشتار جمعی، بردگی انسان، تبعیض نژادی، آلودگی گسترده محیط زیست و دریا و... در زمره جرائم علیه بشریت برشمرد.



## ۲. ابعاد حقوقی ترور شهید قاسم سلیمانی

در پی حمله به ماشین حامل سردار سلیمانی توسط پهپاد آمریکایی مطابق قواعد حقوق بین‌الملل و به ویژه منشور ملل متحد دولت آمریکا مرتکب نقض‌هایی گردیده که ذیلاً به بررسی آن می‌پردازیم

### ۲-۱. نقض حاکمیت، تمامیت ارضی و استقلال سیاسی عراق

مطابق بند (۷) ماده (۲) دولت‌ها ملزم به احترام به تمامیت ارضی دولت‌های دیگر بوده و از دخالت در اموری که جزء صلاحیت حاکمیتی دولت دیگر است منع شده‌اند. امروزه اصل عدم مداخله تعدیل شده و محدود به مواردی خاص از جمله اقدامات نظامی در داخل خاک دولت‌های دیگر می‌باشد. همچنین مطابق قطعنامه تجاوز عمل صورت گرفته تجاوز می‌باشد؛ زیرا ماده (۱) قطعنامه تجاوز، در تعریف تجاوز مقرر می‌دارد که: «تجاوز عبارت است از کاربرد نیروی مسلح توسط یک دولت علیه حاکمیت، تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی دولتی دیگر یا کاربرد آن از دیگر راه‌های مغایر با منشور سازمان ملل متحد».

بر این اساس ضمن شکل‌گیری مسئولیت برای دولت آمریکا، مطابق اساسنامه رم ماده (۸) مکرر<sup>۱</sup> که عمل تجاوز ارضی را جرم‌انگاری نموده است، مسئولیت کیفری فردی نیز برای آمران و عاملان این اقدام قابل پیگیری است. البته از آنجایی که هیچ کدام از سه دولت ایران و عراق و آمریکا عضو اساسنامه رم نیستند امکان پیگرد از طریق دیوان کیفری بین‌المللی وجود ندارد.

### ۲-۲. ممنوعیت تهدید یا توسل به زور

مطابق بند (۴) ماده (۲) منشور ملل متحد دولت‌ها در روابط خود با یکدیگر باید از تهدید یا به کارگیری زور علیه یکدیگر خودداری کنند. اما این ماده از منشور ملل متحد دارای استثنائاتی می‌باشد. این استثنائات عبارت‌اند از ماده (۵۱) منشور که پیرامون دفاع مشروع و ماده (۴۲) منشور که شامل اقدامات دسته‌جمعی اعضاء ملل متحد به منظور اعاده صلح و امنیت بین‌المللی می‌باشد. به

۱. بند اول ماده ۸ مکرر جرم تجاوز را چنین تعریف می‌کند: «برنامه‌ریزی، تدارک، آغاز یا اجرای اقدام تجاوز کارانه توسط صاحب‌منصبی که به نحو مؤثری اقدام سیاسی یا نظامی یک دولت را کنترل یا هدایت می‌کند، که با توجه به ماهیت، شدت و گستره آن، موجب نقض آشکار منشور ملل متحد می‌شود». بند دوم نیز مصادیق جرم تجاوز را برمی‌شمارد: تهاجم یا حمله به سرزمین دولت دیگر به وسیله نیروهای مسلح یک دولت، یا هر نوع اشغال نظامی، هر چند موقت که از چنین تهاجم یا حمله‌ای ناشی شود، یا هر نوع ضمیمه تمام یا بخشی از سرزمین دولت دیگر با استفاده از نیروی مسلح؛ بمباران سرزمین دولت دیگر یا به کاربردن سلاح علیه سرزمین دولت دیگر؛ محاصره بنادر یک دولت؛ استفاده از نیروهای مسلح مقیم در سرزمین دولت دیگر برخلاف شرایط مقرر در توافقنامه منعقد با دولت پذیرنده یا تمدید دوره حضور در سرزمین دولت فرستنده برخلاف شرایط موافقت‌نامه؛ اجازه استفاده از سرزمین برای ارتکاب اقدام تجاوز کارانه علیه دولت ثالث؛ ارسال گروه‌ها، نیروهای نامنظم و مزدوران برای انجام عملیات نیروهای نظامی علیه دولت دیگر».



عبارت دیگر دولت‌ها با حصول شرایط مندرج در هر یک از دو ماده فوق می‌توانند اقدام به توسل به زور نمایند که هر دو ماده در انطباق با واقع صورت گرفته ذیلاً مورد بررسی می‌گردد:

### نخست: توجیه دفاع مشروع

ماده (۵۱) منشور ملل متحد در بیان شرایط دفاع مشروع مقرر می‌دارد که: «در صورت وقوع حمله مسلحانه علیه یک عضو ملل متحد تا زمانی که شورای امنیت اقدامات لازم را برای حفظ صلح و امنیت به عمل آورد هیچ یک از مقررات این منشور به حق ذاتی دفاع مشروع لطمه ای وارد نمی‌کند...» براساس ماده (۵۱) منشور، حق دفاع مشروع در پی وقوع یک حمله مسلحانه امکان‌پذیر است. در واقعه صورت گرفته به هیچ عنوان حمله مسلحانه‌ای علیه دولت آمریکا صورت نگرفته است و اعتراضات مردمی عراق علیه سفارت آمریکا نه قابل انتساب به ایران است و نه به صورت مسلحانه بوده است. اما مدتی است که دولت آمریکا اقدامات خود را در قالب دفاع مشروع پیش‌دستانه توجیه می‌کند. اعلام دفاع مشروع پیش‌دستانه در استراتژی امنیت ملی ایالات متحده آمریکا، دفاع مشروع را از مفهوم سنتی آن خارج نموده است. در پاسخ به این توجیه نیز باید گفت در دفاع مشروع پیش‌دستانه حمله‌ای که احتمال وقوع آن می‌رود باید قریب‌الوقوع باشد و نه براساس احتمالات و فرضیات که در واقعه صورت گرفته دولت آمریکا تا به امروز هیچ اسنادی دال بر قریب‌الوقوع بودن و حتی وقوع یک حمله مسلحانه قطعی ارائه نداده است.

### دوم: اقدامات دسته‌جمعی اعضاء ملل متحد

در مورد ماده (۴۲) منشور نیز اقدامات دسته‌جمعی نیازمند قطعنامه شورای امنیت می‌باشد که در موضوع مورد بحث نه اقدامات به طور جمعی است و نه قطعنامه‌ای از سوی شورای امنیت در این خصوص صادر شده که توجیه‌کننده رفتار آمریکا باشد. بنابراین در این موارد نیز شاهد نقض فاحش مواد منشور هستیم.

ادعای اصلی آمریکا در قضیه ترور سپهد سلیمانی در نامه ۸ ژانویه ۲۰۲۰ این دولت به شورای امنیت ملل متحد نیز بر آن تأکید شده این است که این اقدام را در راستای دفاع مشروع انجام داده است. در اینکه آمریکا حتی در سرزمین عراق نیز حق دفاع مشروع از خود را داشته است، هیچ تردیدی نیست و این واقعیت حتی در موافقت‌نامه سال ۲۰۰۲ در خصوص حضور نظامی آمریکا در عراق نیز مورد تأکید قرار گرفته است. اما، آمریکا نمی‌تواند اقدام نظامی خود را به لحاظ حقوقی در قالب دفاع مشروع توجیه کند، چرا که توسل به دفاع مشروع به عنوان یکی از استثناءهای اصل عدم توسل به زور در حقوق بین‌الملل شروطی دارد که این شروط که در حال حاضر به عنوان

حقوق بین‌الملل عرفی قلمداد می‌شود.<sup>۱</sup> با توجه به استثناء بودن دفاع مشروع در مقابل اصل عدم توسل به زور باید به صورت مضیق تفسیر شوند. برای تلقی یک اقدام به عنوان دفاع مشروع باید آن اقدام «متناسب» با حمله مسلحانه از پیش انجام شده و برای پاسخ به آن حمله ضرورت داشته باشد و نسبت به یک هدف نظامی مشروع انجام شود.<sup>۲</sup> همچنین، دفاع مشروع در قبال یک حمله مسلحانه یا اقدام تجاوزکارانه قابل تصور است و ضروری است که در این خصوص میان شدیدترین اشکال استفاده از زور که حمله مسلحانه قلمداد می‌شوند و سایر اشکال کمتر شدید آن تمایز قائل شد. این در حالی است که قبل از اقدام نظامی آمریکا هیچ حمله مسلحانه‌ای به وسیله ایران علیه آمریکا انجام نشده بود و استناد به دفاع مشروع پیشگیرانه و دفاع مشروع پیش‌دستانه در راستای پیشگیری از انجام یک حمله مسلحانه قریب‌الوقوع نیز در حقوق بین‌الملل قابل‌پذیرش نیست. دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه «سکوه‌های نفتی» تصریح می‌کند که برای اثبات قانونی بودن حمله آمریکا در حمله به سکوه‌های نفتی ایران با ادعای دفاع مشروع، آمریکا باید نشان دهد که حملاتی در معنای حمله مسلحانه مندرج در ماده (۵۱) منشور از سوی ایران نسبت به آمریکا انجام شده است.

در واقع، فقدان حمله نظامی ابتدایی از سوی ایران، بررسی شروط دفاع مشروع از جمله متناسب بودن اقدام آمریکا با حمله اولیه و ضرورت پاسخ به آن را سالبه به انتفاء موضوع می‌کند. ایراد دیگری که در خصوص ادعای آمریکا درباره توسل به دفاع مشروع مطرح می‌شود این است که دفاع مشروع در روابط میان دو دولت مطرح می‌شود و ترور فرمانده نظامی دولتی که هیچ مخاصمه‌ای را آغاز نکرده است با ادعای دفاع مشروع در مقابل آن دولت، اقدامی متناقض با مبانی دفاع مشروع به نظر می‌رسد. (اوکانل<sup>۳</sup>، ۲۰۲۰: ۱۲) همچنین، حتی اگر امکان دفاع مشروع در مقابل یک حمله قریب‌الوقوع را بپذیریم نیز اقدام نظامی دفاعی باید علیه ابزارها و بازوهای اجرایی حمله قریب‌الوقوع از جمله افراد یا تانک‌ها یا پهپادهایی که حمله قرار است به وسیله آن‌ها انجام شود، صورت گیرد و این در حالی است که سپهبد سلیمانی به‌عنوان یک فرمانده رده‌بالای استراتژیست تنها در تصمیم‌گیری‌های نظامی نه انجام عملیات نظامی ادعایی مشارکت داشته است. (میلانویچ<sup>۴</sup>، ۲۰۲۰: ۹)

به علاوه لازم به ذکر است این اقدامات موجب نقض حقوق بشر نیز شده است. اسناد حقوق بشری به صراحت بر حقوق بنیادینی اشاره دارد که دولت‌های عضو موظف به رعایت آن هستند از جمله این حقوق، حق حیات می‌باشد که در ماده (۳) اعلامیه جهانی حقوق بشر و ماده (۶) میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی به آن اشاره شده و بر آن تاکید شده که هیچ فردی را نمی‌توان

1. ICJ Reports, 1996, para 41
2. ICJ Reports 2003, paras 51, 74
3. O'Connell
4. Milanovic

خودسرانه از زندگی محروم کرد. اقدام آمریکا در شهادت سردار سلیمانی به طور صریح نقض مفاد اسناد مذکور است. لازم به ذکر است که مطابق ماده (۴) میثاق چنانچه حتی شرایط اضطراری موجب تعلیق تعهدات حقوق بشری شود، این استثناء شامل حقوق بنیادین از جمله حق حیات نخواهد بود. (بند ۲ ماده ۴ میثاق)

### ۳-۲. توافق نامه امنیتی عراق با آمریکا

به منظور تعیین ماهیت این اقدام باید مفاد موافقت نامه منعقد شده میان ایالات متحده آمریکا و عراق در سال ۲۰۰۸ که به حضور نظامی آمریکا در سرزمین عراق و شروط آن می‌پردازد، مراجعه نمود. طبق ماده (۳) این موافقت نامه، اجازه عملیات نظامی از سوی آمریکا در خاک عراق با رعایت قوانین، رسوم و کنوانسیون‌های دولت عراق وجود دارد و عملیات نظامی نباید مغایر با روح این موافقت نامه باشد. واکنش دولت عراق نسبت به ترور سپهد قاسم سلیمانی نشان دهند این است که حداقل در نگاه اول، این شروط رعایت نشده است. کشته شدن برخی اتباع عراقی در این اقدام نظامی نیز این نتیجه‌گیری را تقویت می‌کند. (لابودا<sup>۱</sup>، ۲۰۲۰: ۴)

وفق مفاد سופا، نیروهای نظامی آمریکا می‌بایست تا ۳۰ ژوئن ۲۰۰۹ از شهرهای در عین حال ۷ عراق و تا ۳۱ دسامبر ۲۰۱۱ به طور کلی از خاک عراق خارج شوند. حضور آمریکا در این کشور می‌توانست با موافقت عراق استمرار یابد. مطابق بند (۱) ماده (۴) این توافقنامه، عراق از آمریکا می‌خواهد تا نیروهای عراقی را در تلاش برای حفظ امنیت و ثبات کمک کند. به طور مشخص کمک و همکاری در هدایت عملیات علیه القاعده، دیگر گروه‌های تروریستی، گروه‌های غیرقانونی و بقایای رژیم گذشته را درخواست دارد. البته در بند (۲) تصریح می‌کند که هر عملیات نظامی باید با موافقت دولت عراق و هماهنگی کامل با نیروهای عراقی پیش انجام شود. توافقنامه، تأسیس یک کمیته هماهنگی عملیات نظامی مشترک را پیش‌بینی کرده که بر هماهنگی عملیات نظامی نظارت می‌کند (بند ۲ ماده ۴) شرط دیگری که مقرر شده این است که؛ هرگونه عملیات نظامی نباید خدشه‌ای به حاکمیت و منافع ملی عراق، آنگونه که دولت عراق تعریف می‌کند، وارد سازد و نیروهای آمریکایی باید قوانین، عرف‌ها و سنت‌های عراق را محترم بشمارند (بند ۳ ماده ۴) بند (۱) ماده (۲۷) توافقنامه امنیتی، لزوم همکاری‌های راهبردی را در مورد هرگونه تهدید داخلی یا خارجی و یا تجاوز علیه عراق مقرر داشته و بیان می‌کند که ایالات متحده آمریکا باید اقدامات مقتضی از جمله تدابیر دیپلماتیک، اقتصادی یا نظامی را برای دفع تهدیدها به کار گیرد. (کارتی<sup>۲</sup>، ۲۰۰۵: ۲۲)

1. Labuda  
2. Carty



### ۳. سیاست قضایی ایران در پیگرد قضایی

اقداماتی که دولت ایران در قالب اقدام قضایی دارد ممکن تحت تأثیر سیاست‌های مختلف جنبه‌های متفاوتی داشته باشد ذیلاً مورد بررسی قرار می‌گیرد.

#### ۳-۱. پیگرد قضایی در محاکم بین‌المللی

##### ۳-۱-۱. طرح دعوی در دیوان بین‌المللی دادگستری

دیوان بین‌المللی دادگستری محکمه‌ای است که تنها به اختلافات میان دولت‌ها می‌پردازد و در بند (۱) ماده (۳۴) اساسنامه دیوان مقرر گردیده «فقط دولت‌ها می‌توانند به دیوان بین‌المللی دادگستری رجوع کنند». و برای این منظور در اساسنامه دیوان مواردی که امکان طرح دعوی در دیوان را میسر می‌سازد. بر این مبناء بند (۲) ماده (۳۶) اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری مقرر می‌دارد: «دولت‌های امضاءکننده این اساسنامه می‌توانند در هر موقع اعلام دارند که قضاوت اجباری دیوان بین‌المللی دادگستری را نسبت به تمام اختلافاتی که جنبه قضایی داشته و مربوط به موضوعات ذیل باشد در مقابل هر دولت دیگری که این تعهد را متقبل گردد، خودبه‌خود و بدون قرارداد خاصی قبول می‌نمایند.

الف- تفسیر یک عهدنامه؛ ب- هر مسئله که موضوع حقوقی بین‌المللی باشد؛ ج- حقیقت هر امری که در صورت ثبوت، نقض یک تعهد بین‌المللی محسوب می‌گردد؛ د- نوع و میزان غرامتی که باید برای نقض یک تعهد بین‌المللی داده شود.

اساسنامه دیوان رسیدگی به اختلافات بین‌المللی را منوط به رضایت دولت‌ها به احالۀ اختلافات خود به این مرجع قضایی بین‌المللی کرده است. به عبارت دیگر، این رضایت اصحاب دعواست که به دیوان صلاحیت رسیدگی اعطا می‌کند. (میرعباسی و سادات میدانی، ۱۳۸۷: ۴۷)

تنها سندی که در روابط دوجانبه میان دولت‌های ایران و آمریکا ارجاع اختلاف به دیوان بین‌المللی دادگستری را پذیرفته بود، عهدنامه مودت میان این دو دولت مربوط به سال ۱۹۵۵ میلادی بود که آن هم پس از صدور دستور موقت سوم اکتبر ۲۰۱۹ دیوان در قضیه «نقض‌های ادعایی عهدنامه مودت» آمریکا از آن خارج شد. با توجه به اینکه صلاحیت اجباری دیوان به وسیله این دو کشور مورد پذیرش قرار نگرفته و ثبت دادخواست از سوی ایران به امید پذیرش صلاحیت از سوی آمریکا نیز به احتمال زیاد موفقیت‌آمیز نخواهد بود.

شاید بتوان گفت تنها گزینه مراجعه به دیوان، یافتن یک کنوانسیون مرتبط با موضوع است که شرط ارجاع به دیوان را در خصوص اختلاف‌های میان طرف‌های خود که از تعهدات مندرج در آن ناشی می‌شود، پذیرفته باشد و دولت‌های مرتبط با موضوع نیز عضو آن باشند. کنوانسیون نیویورک راجع به پیشگیری و مجازات جرائم علیه اشخاص مورد حمایت بین‌المللی (۱۹۷۳) با ۱۸۰ دولت عضو به عنوان یکی از کنوانسیون‌های فراگیر بین‌المللی در قضیه ترور سپهبد سلیمانی

قابل توجه است. هر سه دولت مرتبط با این قضیه ایران و عراق و آمریکا عضو این کنوانسیون هستند. طبق این کنوانسیون، هنگامی که یک جرم علیه کارمند و یا نماینده یک دولت در یک مکان رسمی، محل اقامت شخصی و یا در وسیله نقلیه‌اش ارتکاب می‌یابد، او طبق حقوق بین‌الملل محق به برخورداری از حمایت ویژه در مقابل هرگونه حمله به او، آزادی و شأن او خواهد بود. (امینی و بذار، ۱۳۹۹: ۱۵) این کنوانسیون عموماً بر ویژگی قربانی یا شخص مورد حمایت بین‌المللی تمرکز دارد. (بارکر<sup>۱</sup>، ۲۰۱۱: ۱۲۰) این امر با فراز و نشیب و البته دستاوردهای احتمالاً کمی همراه خواهد بود.

### ۳-۱-۲. طرح شکایت در دیوان کیفری بین‌المللی

دیوان کیفری بین‌المللی فاقد صلاحیت جهانی است. صلاحیت جهانی بدان معناست که یک جرم فارغ از محل ارتکاب آن و صرفنظر از تابعیت مرتکب یا قربانی آن جرم قابل رسیدگی باشد. نویسندگان «اساسنامه رم»، سند مؤسس دیوان کیفری بین‌المللی، دادگاهی را ایجاد کرده‌اند که صلاحیت آن محدود به جرائمی است که یا در قلمروی سرزمینی یک دولت عضو واقع شده باشد (صلاحیت سرزمینی) و یا توسط اتباع یکی از دولت‌های عضو ارتکاب یافته باشد (صلاحیت شخصی فعال). صلاحیت دیوان تفویضی است. بدان معنا که این دولت‌های عضو دیوان هستند که صلاحیت ذاتی خود نسبت به سرزمین و اتباع خود را به دیوان تفویض می‌کنند. این امر به معنای نسبی بودن صلاحیت دیوان است. دیوان تنها نسبت به جرائم مرتبط با دولت‌های عضو می‌تواند اعمال صلاحیت کند و این صلاحیت قابل تعمیم به دولت‌های غیر عضو نیست. به بیان دیگر دولت‌های عضو دیوان این اختیار را نداشته و ندارند که دیوان را نسبت به جرائم و اتفاقاتی که در قلمروی یک کشور غیر عضو رخ می‌دهد، صاحب صلاحیت کنند.

در ماجرای ترور شهید سلیمانی هیچ یک از دولت‌های مرتبط عضو دیوان نیستند. نه عراق که محل ارتکاب جرم بوده، و نه آمریکا که اتباع آن مرتکب این جنایت شده‌اند و نه ایران که تبعه آن قربانی این رفتار مجرمانه شده است. بنابراین فارغ از اینکه رفتار واقع شده مصداق یکی از جرائم داخل در صلاحیت دیوان است یا خیر، این محکمه بین‌المللی فاقد صلاحیت برای رسیدگی به این پرونده است و دولت ایران به دلیل عدم عضویت نمی‌تواند قضیه و بحران واقع شده را برای بررسی و رسیدگی به دادستانی دیوان «ارجاع» دهد. چراکه ارجاع یک قضیه به دادستان دیوان و درخواست برای آغاز تحقیقات نسبت به آن تنها از امتیازات و اختیارات دولت‌های عضو است. (ذاکر حسین، ۱۳۹۸: ۲)

1. Barker

تنها راه اشتغال دیوان به موضوع ترور سپهبد سلیمانی، پذیرش صلاحیت موردی دیوان طبق ماده (۱۲)، (۳) اساسنامه دیوان است که البته این شیوه نیز محدودیت‌های خاص خود را دارد. صدور اعلامیه پذیرش صلاحیت موردی دیوان می‌تواند خطرات بالقوه‌ای را برای مقامات ایرانی یا عراقی به همراه داشته باشد. در واقع، با اینکه دولت پذیرنده صلاحیت موردی دیوان می‌تواند محدوده اعمال صلاحیت دیوان را به لحاظ زمانی محدود کند، دیوان تعیین می‌کند که در محدوده زمانی ذکر شده در اعلامیه به چه جرائم یا موضوعاتی بپردازد. نکته قابل تأمل در خصوص دولت صادرکننده اعلامیه پذیرش صلاحیت موردی دیوان در قضیه ترور سپهبد سلیمانی این است که با توجه به قربانی محور نبودن مبنای صلاحیتی دیوان، صدور چنین اعلامیه‌ای از سوی ایران، صلاحیتی برای دیوان نسبت به قضیه سپهبد سلیمانی ایجاد نخواهد کرد. (همان: ۳)

## ۲-۳. طرح دعوای در محاکم داخلی

### ۲-۳-۱. پیگرد قضایی در محاکم داخلی عراق

با توجه به اینکه در حقوق داخلی عراق قانونی تحت عنوان «قانون ضد تروریسم» شماره (۱۳) در سال ۲۰۰۵ به تصویب رسیده، امکان‌سنجی استفاده از ظرفی‌های این قانون برای طرح دعوای خانواده‌های قربانیان این واقعه در دادگاه‌های کشور عراق محل تأمل است. اگر چه در عرصه بین‌المللی تعریف عام و متفق‌القولی از تروریسم وجود ندارد، اما ماده (۱) این قانون در تعریفی موسع هر اقدام جنایی ارتکاب یافته توسط هر فرد یا گروه سازمان‌یافته که فرد یا گروهی از افراد یا گروه‌ها یا نهادهای رسمی و غیررسمی را هدف قرار دهد و منجر به خسارت به اموال عمومی یا خصوصی شود، با هدف برهم زدن صلح، ثبات و وحدت ملی، ایجاد وحشت و ترس بین مردم و ایجاد آشوب برای دستیابی به اهداف تروریستی را تروریسم می‌نامد. این قانون در ماده (۳) به بیان اقداماتی می‌پردازد که از میان اقدامات تروریستی به عنوان جرائم علیه امنیت دولت نیز تلقی می‌شوند. براساس بند (۵) ماده (۲) «حمله به ارتش و ادارات پلیس، مراکز داوطلبانه، ادارات امنیتی و حمله به سربازان نظامی یا پشتیبانی آن‌ها، خطوط ارتباطی یا اردوگاه‌ها و پایگاه‌های آن‌ها با یک انگیزه تروریستی» اقدام تروریستی محسوب می‌شود و بنا بر بند (۱) همین ماده «هر عمل با انگیزه‌های تروریستی که وحدت ملی و ثبات جامعه را تهدید می‌کند و بر امنیت دولت و ثبات آن اثر می‌گذارد و یا توانایی خدمات امنیتی را در دفاع و حمایت از شهروندان، اموال آن‌ها، مرزهای دولتی و نهادهای آن‌ها را خواه از طریق تقابل نظامی با نیروهای دولتی یا هر عمل دیگری که انحراف از آزادی بیان تضمین شده در قانون است، تضعیف می‌کند». عمل تروریستی است که امنیت دولت را خدشه‌دار می‌نماید.

با توجه به اینکه بخشی از قربانیان این واقعه نیروهای نظامی و رسمی دولت عراق بوده‌اند یا نیروهای رسمی ایرانی نیز به دعوت دولت قانونی عراق در این کشور حضور داشته‌اند، می‌توان این



اقدام را تحت ماده (۱)، هدف قراردادن افراد و گروه‌های رسمی و بنا بر بندهای مذکور در مواد (۲) و (۳) اقدامی دانست که امنیت و ثبات عراق را تهدید کرده و نوعی حمله نسبت به نیروهای نظامی دولت عراق نیز محسوب می‌شود.

مهمترین چالشی که بر سر طرح دعوا در محاکم داخلی عراق وجود دارد، آن است که در این قانون صحبت از محاکمه رهبران یا عاملان دولتی حوادث تروریستی نشده است و از آنجا که دستور این حمله توسط شخص رئیس‌جمهور آمریکا صورت گرفته و عاملان آن نیز نیروهای نظامی آمریکا هستند، اقامه دعوا ممکن است با مانع مصونیت روبه‌رو شود. قاعده مصونیت، که از دیرباز به عنوان یک قاعده عمومی پذیرفته شده است، به این معنی است که یک دولت نسبت به خسارات ناشی از اعمال حاکمیتی خود از هرگونه مسئولیتی معاف است، مگر اینکه از روی لطف و بدون آنکه مسئولیتی متوجهش باشد از زیان دیدگان جبران خسارت نماید. (عبداللهی و شافع، ۱۳۸۵: ۵)

به نظر می‌رسد اعمال نیروهای آمریکایی در ترور سردار شهید سلیمانی و همراهانش نمونه بارزی از شبه جرم است که با فرمان حاکمیتی عالی‌ترین مقام حاکمیتی آمریکا تحقق یافته است. با وجود این، ماده (۱۲) موافقت‌نامه امنیتی ایران و آمریکا به مقامات آمریکایی مصونیت قضایی اعطا کرده و دولت عراق تنها به استناد توسل به زور خارج از تعهدات توافقنامه توسط آمریکا که منجر به نقض ماده (۳) این توافقنامه شده است صرفاً می‌تواند براساس قواعد حقوق معاهدات به این اقدام تنها به عنوان مبنای فسخ یا تعلیق تمام یا بخشی از تعهدات مندرج در این توافقنامه استناد نماید. همان‌طور که مجلس عراق در پاسخ به اقدام آمریکا قانونی مبنی بر خروج نیروهای آمریکایی از عراق را به تصویب رساند. به هر ترتیب، همچنان امکان نادیده انگاشتن مصونیت دولت‌ها به هنگام نقض قواعد آمره بین‌المللی در حقوق بین‌الملل محل سؤال است و دیوان بین‌المللی دادگستری نیز در قضیه مصونیت‌های صلاحیتی دولت (آلمان علیه ایتالیا) در سال ۲۰۱۲ با به کارگیری دیپلماسی قضایی آن را بی‌پاسخ گذاشت. (رشیدی، ۱۳۹۹: ۱۱۸)

### ۳-۲-۲. پیگرد قضایی در محاکم داخلی ایران

پیگیری حقوقی قضیه ترور سردار شهید سلیمانی و همراهانش در محاکم کشور ایران از دو بعد قابل تحلیل و ارزیابی است. بعد نخست، از باب رسیدگی حقوقی یا مدنی به این امر است و بعد دوم، ناظر بر رسیدگی به جنبه کیفری و مجرمانه آن است. در هر یک از این ابعاد لازم است نخست دایره صلاحیت دادگاه‌های ایران نسبت به تحت شمول قرار دادن این قضیه مورد بررسی قرار گیرد. در بعد مدنی، پس از اقدام خصمانه کشور آمریکا در تصویب «اصلاحیه قانون مصونیت‌های دولت‌های خارجی در سال ۱۹۹۶» که مبنایی برای نقض مصونیت اموال نهادهای

دولتی ایران در محاکم این کشور قرار گرفت، جمهوری اسلامی ایران در پاسخ و به‌عنوان یک اقدام متقابل، در سال ۱۳۷۸ قانون صلاحیت دادگستری جمهوری اسلامی ایران برای رسیدگی به دعاوی مدنی علیه دولت‌های را تصویب کرد که اصلاحیهٔ اخیر آن در تاریخ ۱۷ اردیبهشت ۱۳۹۱ مشتمل بر ۱۱ ماده تصویب شد و همچنان معتبر است.

به موجب مادهٔ ۱ این قانون، برای مقابله و جلوگیری از نقض قوانین و مقررات حقوق بین‌الملل، اشخاص حقیقی و حقوقی می‌توانند نسبت به اقدامات دولت‌های خارجی که مصونیت قضایی دولت جمهوری اسلامی ایران یا مقامات رسمی آن را نقض می‌کنند در دادگستری تهران اقامهٔ دعوا کنند. در این صورت، دادگاه مرجوع الیه مکلف است به عنوان عمل متقابل به دعاوی مذکور رسیدگی و طبق قانون حکم مقتضی را صادر نماید. اقدام دولت آمریکا در قضیهٔ ترور سردار سلیمانی، مطابق بند (الف) ماده (۱) از جمله موضوعات مشمول این قانون است که منطوق آن چنین است «خسارت ناشی از هرگونه اقدام و فعالیت دولت‌های خارجی در داخل یا خارج ایران که مغایر با حقوق بین‌الملل است و منجر به فوت یا صدمات بدنی یا روانی یا ضرر و زیان مالی اشخاص می‌گردد».

همچنین به موجب ماده (۷) این قانون «دعاوی علیه نمایندگان یا مقامات یا نهادهای وابسته یا تحت کنترل دولت خارجی با رعایت اصل عمل متقابل در صورتی قابل رسیدگی است که خسارات ناشی از اقدامات موضوع این قانون باشد». بنابراین علاوه بر آنکه امکان طرح دعوا بر مبنای این قانون علیه دولت آمریکا وجود دارد، علیه شخص ترامپ به عنوان یک مقام آمریکایی هم می‌توان طرح دعوی حقوقی کرد. با در نظر گرفتن این ایراد که ممکن است اجرای احکام صادره علیه دولت آمریکا به دلیل آنکه اموال چندانی در کشور ایران ندارد دشوار باشد، شاید اقامهٔ دعوا علیه شخص ترامپ از این جهت کارایی بیشتری داشته باشد، زیرا ترامپ در کشورهای همسایه ایران اموال شخصی بسیاری دارد. (امیر عبداللهیان، ۱۳۹۸: ۳)

در خصوص بعد دوم رسیدگی به این دعوا، یعنی رسیدگی از جنبهٔ کیفری، اعمال صلاحیت قضایی محاکم ایران را می‌توان براساس اصل صلاحیت شخصی احراز کرد. اصل صلاحیت شخصی صلاحیت محاکم یک کشور نسبت به اقدامات ارتكابی در خارج از قلمروی سرزمینی آن کشور توسط اتباع یا علیه اتباع می‌باشد. این صلاحیت بر دو نوع است: نوع اول زمانی است که صلاحیت براساس تابعیت مجرم اعمال می‌شود که به آن اصل صلاحیت شخصی فعال می‌گویند و نوع دوم اعمال صلاحیت براساس تابعیت مجنی علیه بوده که به آن اصل صلاحیت شخصی منفعل گفته می‌شود. مبنای طرح این صلاحیت در آنجاست که حمایت از اتباع و وظیفهٔ هر دولتی است که عموماً به طرق مختلف سیاسی و کنسولی تحقق می‌پذیرد و زمانی دیگر این حمایت شکل حقوقی داشته و دولت‌ها رسیدگی به جرائم خارج از سرزمینشان علیه اتباع خود را عهده‌دار می‌شوند.

رویکرد کلی حقوق بین الملل آن است که این مبنای صلاحیتی را در مورد جرائم تروریستی به رسمیت شناخته است. (اسماعیلی، ۱۳۹۵: ۵۸-۵۶)

مضاف بر اینکه در تاریخ ۲۱ مردادماه سال ۱۳۹۶ قانونی تحت عنوان «قانون مقابله با نقض حقوق بشر و اقدامات ماجراجویانه و تروریستی آمریکا در منطقه» به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. براساس بند (۳) ماده (۴) این قانون، اشخاص آمریکایی که در سازمان دهی، تأمین مالی، راهبری یا ارتکاب اقدامات تروریستی علیه منافع دولت یا شهروندان جمهوری اسلامی ایران مشارکت مؤثر دارند، مشمول مجازات‌های مندرج در بخش ششم این قانون قرار می‌گیرند. از جمله مجازات‌های مندرج در بخش ششم عبارت‌اند از: منع صدور روادید ورود به کشور ایران، توقیف اموال و دارایی‌های این اشخاص در قلمروی صلاحیت ایران و توقف تراکنش‌های مالی و مسدود کردن حساب‌های بانکی این افراد. اگرچه وضع این قانون به خودی خود اقدام مفیدی در راستای مقابله با اقدامات تروریستی آمریکا و اشخاص آمریکایی است، لیکن حداقل در مورد مجازات مقامات و فرماندهان آمریکایی مشارکت‌کننده در قضیه ترور سردار سلیمانی مجازات‌های مطروحه به دلیل عدم حضور آن‌ها یا نداشتن اموال در سرزمین ایران از اثرگذاری لازم برخوردار نخواهند بود، زیرا به طور کلی دایره صلاحیت اجرایی به خصوص در مورد احکام صادره از محاکم کیفری محدود به مرزهای یک کشور است، مگر به موجب تعهدات ناشی از معاهدات همکاری منعقدشده بین جمهوری اسلامی ایران با دیگر کشورها. (رشیدی، منبع پیشین: ۱۲۱) این مورد نیز در خصوص تحویل مقامات آمریکایی توسط کشورهای اطراف اینگونه معاهدات یا توقیف اموال آن‌ها بسیار بعید و دور از ذهن خواهد بود.

### بحث و نتیجه‌گیری

تروریسم را می‌توان به عنوان یک پدیده نسبتاً پیچیده مطرح نمود که جلوه‌های آن مدام در حال تغییر است و اگرچه تروریسم دولتی به معنای واقعی آن وجود دارد اما نقش دولت‌ها در شکل‌گیری آن را نمی‌توان نادیده گرفت. به علاوه رفتار دولت‌ها می‌تواند در قالب اقدامات تروریستی تعریف شود. شناخت ریشه‌های تروریسم یا همان علل و عوامل پیدایش تروریسم، برای مبارزه با این پدیده لازم و ضروری است. به طور کلی می‌توان علل پیدایش تروریسم را در دو عامل جستجو نمود. نخست؛ عوامل فردی و دوم؛ عوامل اجتماعی. تروریسم یک جرم بین‌المللی است و عناصر متشکله یک جرم را دارا هست. به نظر می‌رسد جرم تروریست، اگرچه به طور مستقیم و یا غیرمستقیم اثر خود را بر امنیت و صلح جهانی وارد می‌سازد، اما صحیح‌تر آن است که این جرم را در زمره جرائم علیه بشریت دسته‌بندی نماییم. امری که اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی نیز بر آن صحه گذاشته است. در تاریخ ۳ ژانویه ۲۰۲۰، برابر با جمعه شب ۱۳ دی ماه

۱۳۹۸ در پی یک عملیات تروریستی هدفمند، دو خودرو حامل سردار قاسم سلیمانی فرمانده سپاه قدس ایران را مورد حمله قرار داد. با این امر دولت آمریکا بسیاری از مقررات بین‌المللی را نقض نمود.

در خصوص ادعای آمریکا مبنی بر وجود موافقت‌نامه امنیتی میان خود و عراق باید گفت طبق ماده (۳) این موافقت‌نامه، اجازه عملیات نظامی از سوی آمریکا در خاک عراق با رعایت قوانین، رسوم و کنوانسیون‌های دولت عراق وجود دارد و عملیات نظامی نباید مغایر با روح این موافقت‌نامه باشد. واکنش دولت عراق نسبت به ترور سپهبد قاسم سلیمانی نشان دهنده‌ی این است که حداقل در نگاه اول، این شروط رعایت نشده است. کشته شدن برخی اتباع عراقی در این اقدام نظامی نیز این نتیجه‌گیری را تقویت می‌کند. اقداماتی که دولت ایران در قالب اقدام قضایی دارد ممکن تحت تأثیر سیاست‌های مختلف جنبه‌های متفاوتی داشته باشد. این اقدامات به دو دسته پیگرد قضایی در محاکم بین‌المللی (دیوان بین‌المللی دادگستری و دیوان کیفری بین‌المللی) و همچنین طرح دعوی در محاکم داخلی (محاکم داخلی دولت عراق و محاکم داخلی ایران) تقسیم می‌شود. در ایران پیگرد قضایی در قالب قانون «مقابله با نقض حقوق بشر و اقدامات ماجراجویانه و تروریستی آمریکا در منطقه» قابل پیگرد هست. در قضیه ترور سردار شهید سلیمانی اگرچه مجازات‌های مطروحه حسب مورد به دلیل عدم حضور آمر و مباشرین یا نداشتن اموال در سرزمین ایران از شرایط اجرایی سخت‌تری برخوردار خواهد بود، اما بدیهی است، صدور احکام مربوطه با مرئی داشتن صلاحیت‌های پیش‌گفته در راستای الزام بین‌المللی و محکومیت دولت آمریکا از یک‌سو و اجرای مجازات شخصی نسبت به افرادی که در ترور شهید سلیمانی نقش دستوردهنده و مجری را داشته‌اند مدنظر خواهد بود.

### سپاسگزاری

پژوهشگران، از عزیزانی که در فرآیند ویراستاری ادبی و صفحه‌آرایی این مقاله همکاری و راهنمایی داشتند، کمال تشکر و امتنان را دارند.

## منابع

- آذرتاش، آذرنوش. (۱۳۸۴). فرهنگ معاصر عربی - فارسی. نشر نی.
- امینی، اعظم؛ بذار، وحید. (۱۳۹۹). امکان سنجی پیگیری قضایی آن در دیوان کیفری بین‌المللی و دیوان بین‌المللی دادگستری. پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، ۷(۲۴)، ۲۴-۳. <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1688511/>
- امیر عبداللہیان، حسین. (۱۳۹۸). نشست بررسی ابعاد حقوقی و بین‌المللی ترور شهید سپہبد حاج قاسم سلیمانی. پژوهشگاه قوه قضائیه، ۳۱-۱. <https://jri.ac.ir/shop/NDI2cnBkY1dhUWs9>
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر. (۱۳۸۶). ترمینولوژی حقوق. چاپ ہفدہم. گنج دانش.
- رشیدی، مہناز. (۱۳۹۹). امکان سنجی طرح دعوا در محاکم قضایی بین‌المللی و داخلی در موضوع ترور سردار سلیمانی و ہمراہان. حقوقی دادگستری، ۸۴(۱۱۱)، ۱۲۷-۱۰۷. <https://www.sid.ir/paper/387427/fa>
- رحیم پور، حامد. (۱۴۰۱). مروری بر ترور سردار قاسم سلیمانی در مبانی حقوق داخلی آمریکا و حقوق بین‌الملل. ہمایش ملی ترویج فرهنگ ایثار و شہادت، ۱. <https://civilica.com/doc/1493105/>
- ذاکر حسین، محمدہادی. (۱۳۹۸). نشست علمی بازخوانی حقوقی پروندہ ترور سردار سلیمانی و پیامدہای آن از منظر حقوق بین‌الملل. پژوهشگاه قوه قضائیه، ۳۱-۱. <http://khaneandishmandan.ir/>
- سنبلی، نبی. (۱۳۸۰). بررسی عملکرد سازمان ملل در زمینہ مقابلہ با تروریسم. فصلنامہ سیاست خارجی، ۱۵(۴)، ۶-۳۵. <https://www.sid.ir/paper/473392/fa#downloadbottom>
- ضیائی بیگدلی، محمدرضا. (۱۳۸۶). حقوق بین‌الملل عمومی. گنج دانش.
- عبداللہی، محسن و شافع، میرشہبیز. (۱۳۸۶). مصونیت قضایی دولت در حقوق بین‌الملل. چاپ دوم. معاونت پژوهش، تدوین و تنقیح قوانین و مقررات ریاست جمہوری.
- قدیر، محسن؛ قہرمانی تولابی، بہارہ. (۱۴۰۰). بررسی ابعاد ترور سردار سلیمانی از منظر حقوق بین‌الملل. مطالعات حقوق، ۱۴(۱)، ۷۸-۵۹. <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1783152/>
- لطفی، فروزان؛ آریافر، فاطمہ. (۱۳۹۶). حقوق شہدای ترور از منظر ایران و حقوق بین‌الملل. قانون یار، ۲(۴)، ۴۸-۳۳. <https://www.sid.ir/paper/259762/fa>
- معظمی، شہلا. (۱۳۹۳). حقوق مبارزہ با تروریسم ہستہ‌ای. نشر دادگستر.
- میرعباسی، سید باقر و سادات میدانی، سیدحسین. (۱۳۸۷). دادرسی‌های بین‌المللی، دیوان بین‌المللی دادگستری. جنگل جاودانہ.

- نیکنژاد، علیرضا؛ ابوالحسنی، سلامه. (۱۳۹۹). بررسی حقوقی ترور سردار قاسم سلیمانی از منظر ماده ۵۱ منشور سازمان ملل متحد (دفاع مشروع). فقه و حقوق معاصر، ۶ (۱۴)، ۲۶-۱۷.  
<https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1817346/>
- Barker, J. Craig. (2011). *The Protection of Diplomatic Personnel*. Ashgate Publishing.
- Carty, Antony. (2005). *The Iraq Invasion as a Recent United Kingdom Contribution to International Law*. *The European Journal of International Law*, (1)16, 143 – 151.  
<https://watermark.silverchair.com/chi109.pdf?>
- Milanovic, Marko. (2020). *The Soleimani Strike and Self-defense Against an Imminent Armed Attack*. Ghent Rolin-Jaequemyns International Law Institute (GRILI), Ghent University, 1 – 20.  
<https://www.ejiltalk.org/the-killing-of-soleimani-and-international-law/>
- Labuda, Patryk I. (2020). *The Killing of Soleimani, the Use of Force against Iraq and Overlooked Jus Ad Bellum Questions*. Ghent Rolin-Jaequemyns International Law Institute (GRILI), Ghent University, 1 – 20.  
<https://www.ejiltalk.org/the-killing-of-soleimani-and-international-law/>
- O'Connell, Mary Ellen. (2020). *The Killing of Soleimani and International Law*. *Notre Dame Law School*, (486), 81 – 82.  
[https://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract\\_id=3784820](https://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=3784820)

